

المُسْتَعَان

فِي

إِعْرَابِ الْقُرْآنِ

الجزء الثالث و الجزء الرابع

الجلد الثاني

مَوْسُوعَةٌ صَرْفِيَّةٌ، نَحْوِيَّةٌ وَ لُغَوِيَّةٌ لِأَلْفَاظِ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ
بررسی صرفی، نحوی و لغوی واژه‌های قرآن کریم

عَرَبِيٌّ، فَارِسِيٌّ

تأليف:

الدكتور سيّد رضا نجفي

أستاذ جامعة إصفهان

ریسٹ الکترونیکس: rezanajafi84@yahoo.com

فهرست مطالب

مقدمه ۵

سُورَةُ الْبَقَرَةِ ۱۱

سُورَةُ آلِ عِمْرَانَ ۹۹

سُورَةُ النِّسَاءِ ۳۷۹

فهرس المصادر والمراجع ۴۳۰

www.ketab.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

حمد و سپاس خدای تعالی را که قرآن را با بیان: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ از تحریف و تبدیل حفظ نمود و درود بی کران خدا بر پیامبر اعظم که وی را نذیر و رحمت و سراج منیر و هادی جهانیان قرار داد. مسلمانان و دانشمندان علوم اسلامی از صدر اسلام به حفظ قرآن در صدور و محافظت بر آن در سرازیر هم گماردند و علما در هر عصر و زمانه، برای کشف معانی قرآن و پرده برداشتن از رمز و رازهای آن و شناخت آن معانی بلند، بدان روی آوردند، بعضی به تفسیر آیات و احکام و اسباب نزول پرداختند و بعضی به تجوید و ثرائات و بعضی به بلاغت قرآن و اعجاز بلاغی آن روی آوردند. همان گونه که بعضی برای دریافت معانی، کلمات و قصص و امثال قرآن توجه نمودند، برخی نیز برای فهم لطائف و اشارات به اعراب قرآن و بیان معانی کلمات، برایی یا صرفی و نحوی آن همت گماردند.

اعراب در لغت به معنای روشن و آشکارا ساختن است و اعراب در اصطلاح نحوین عبارت است از روشن ساختن کلام برای مخاطب به گونه ای که در آن خطایی نباشد، این هشام اعراب را اثری ظاهر یا مقدر می داند که عامل در آخر اسم متممکن باشد و می سازد. برخی مانند ابن مالک، اعراب را پدیده ای لفظی دانسته اند که به صورت حرکت، حرف، سکون یا حذف در آخر کلمه ظاهر می شود. اما بیشتر محققان، اعراب را پدیده ای معنوی دانسته اند که حرکات و سکونت های بر آن است.

بر اساس معنای اصطلاحی، اعراب منحصر به صدای آخر کلمات است، اما بر پایهی معنای لغوی همه ی حروف کلمه، دارای وصف اعراب است. شاید بعضی از روایات که دعوت به فراگیری اعراب در زبان عربی دارد ناظر به همین معنی باشد؛ آنجا که نبی مکرم اسلام (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم) فرمود: أُعْرِبُوا الْقُرْآنَ وَ التَّمِسُّوا غُرَائِهِ، ظاهراً مراد از اعراب تلفظ صحیح و واضح الفاظ است. در روایت دیگری فرمود: أُعْرِبُوا الْكَلَامَ كَمَا تُعْرِبُوا الْقُرْآنَ. در این کلام نیز، مراد تلفظ صحیح حرکت آخر کلمه و هم تلفظ همه حروف و صداهای هر واژه می باشد.

غالباً حرکات اعرابی نقش اصلی را در تفاهم و بیان معنای مقصود گوینده بر عهده دارد، به گونه ای که هر گونه تغییر در اعراب به تغییر در معنای جمله می انجامد. از این رو اعراب، همزاد زبان عربی بوده است، اما دانش اعراب به ویژه اعراب قرآن از دامن قرآن کریم برخاسته و تاریخ آن به دوره پس از نزول قرآن بر می گردد.

بر پایه‌ی روایات مُتَقَنّ اسلامی، نخستین بار علام اعرابی، در قرآن کریم به کار رفته است، أَبُو الْأَسْوَد دُوْلِی (م. ۶۹۰ق) به اشاره امام علی (علیه السلام) و با کمک یحیی بن یَعْمَر، آغازگر اعراب‌گذاری قرآن کریم بوده است. در نخستین اعراب‌گذاری به معنای تعیین صدای کلمات، که بسیار ساده و ابتدایی بود، از نقطه استفاده شد. برای علامت فتحه، نقطه‌ای در بالای حرف و برای کسره نقطه‌ای در زیر حرف و برای ضمه نقطه‌ای در جلوی حرف قرار دادند و برای تنوین از دو نقطه و با رنگ‌های مختلف استفاده شد. بی‌شک أَبُو الْأَسْوَد غرضی جز پیشگیری از خطای نو مسلمانان و حفظ زبان عربی نداشت، همان کسانی که در اثر فتوحات و در آمیختن با عجم بیم آن می‌رفت که زبانشان رفته رفته دچار انحراف گردد.

نقطه‌های اعرابی پس از حدود یک قرن به دست خلیل بن أحمد فَرَاهِیدی (م. ۱۷۵ق) به صورت شکل‌های مختلف درآمد و به تدریج به شکل امروزی تثبیت شد. در نیمه دوم قرن دوم رفته رفته با تحولی در اعراب قرآن مواجه می‌شویم، دانشمندانی همچون عبدالله بن ابی اسحاق، ابو عمرو بن غلاء، عیسی بن عُمَر ثَقَفِی، یونس بن کُتَیب، خلیل و تبیین نقش‌های کلمات در آیات قرآن پرداختند و برجسته‌ترین دانشمندان این دوره سبویه است. وی در اثر گران سنگ خود "الکِتَاب" که نخستین کتاب در نحو عربی است، در ضمن تدوین قواعد نحو، تبیین و تحلیل نقش نحوی کلمات قرآن پرداخته است. گفتنی است که سبویه در "الکتاب" به ۴۱۳ آیه قرآن که در مباحث گوناگون نحوی استشهد کرده است.

با ظهور سبویه و اثر برجسته‌اش "الکتاب"، محقق نحوی بصره شکل گرفت؛ از جمله ویژگی‌های بارز این مکتب، قانونمند کردن قواعد نحو و روی آوردن به قیاس در نحو عربی است، و با این رویکرد قواعد منضبط، محدود و در نتیجه سهل و آسان شد. و در مقابل این مکتب، که کوفه به پیشوایی کسایی (م. ۱۸۹ق) پدید آمد، این گروه بیشتر به نقل و سماع توجه داشتند. به هر روی مکتب بصره از اعتبار بیشتری برخوردار گشت و تقریباً به عنوان نحو معیار، پیروان بیشتری را به خود جلب کرد. با گسترش دایره پیمایش نحوی بصره و تقدّم آن بر نحو کوفه، متهم شدن نحو کوفه به استناد و استدلال به لهجه‌های غیر فسیح بود. در اواسط سده سوم هجری قمری، شاهد ظهور مکتب نحو بغداد هستیم که تلفیقی از دو مکتب بصره و کوفه است. در حقیقت باید آن را حد اعتدال این دو مکتب دانست؛ دانشمندانی چون ابن خالویه، ابن دُرُسَوَیه، ابن جَنّی، زجاج و زُحْمَرِی به آن گرایش داشتند و دانشمندان مکتب اندلس، بیشتر به تدوین کتب دستوری زبان عربی اهتمام ورزیدند.

جایگاه و نقش مهم اعراب قرآن سبب شد که دانشمندان پس از قرن دوم به طور گسترده به تحقیق و تألیف در این دانش بپردازند، ظاهراً برای نخستین بار أَبُو جَعْفَر زَوَاسِی از اصحاب امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) هم که استاد کسایی و فَرَّاء بود، کتابی به عنوان اعراب القرآن نگاشت.

طَبْرَسی اعراب قرآن را برترین علم از علوم قرآن معرفی کرده است، زیرا هر بیانی به آن نیازمند و کلید گشودن معنای عبارات است و بدون آگاهی از آن، مراد خدا ناممکن است. و بعضی مانند ابن هشام و شیوطی و زُرْکَشی اعراب را فرع بر فهم معنا می‌دانند و معتقدند نخست باید فهم صحیحی از آیات به دست آورد، سپس بر طبق معنا اعراب آیه را بیان کرد. این در حالی است که در موارد بی‌شماری فهم صحیح آیه بر نوع اعراب آن مبتنی است و موارد فراوانی نیز یافت می‌شود که اعراب مبتنی بر دریافت معنا و فرع آن است و این به سبب ویژگی زبان عربی، به ویژه زبان قرآن و نظم دقیق و حساب شده آن است که در موارد بسیاری به آیات، قابلیت وجوه نحوی و اعرابی گوناگون می‌دهد و مطابق با هر ترکیب و تحلیل، معنایی مناسب برداشت می‌شود. لیکن ما بر این باوریم که معنا و اعراب لازم و ملزوم یکدیگر هستند و در هنگام رجوع به عبارت باید همزمان هر دو مد نظر قرار گیرد و فهم معنا به اعراب کمک می‌کند و اعراب در کشف، معنا مفسر را یاری می‌رساند.

توجه به اعراب نزد دانشمندان مسلمان تا جایی فزونی یافت که اعراب قرآن به عنوان قبی مستقل در کتب ویژه جای گرفت، لیکن دانشمندی که به این فن شهرت یافتند همه در کارشان برابر نبودند، بلکه از جهات مختلف و با رویکردهای گوناگون، آثاری از خود برجای گذاشتند. پس از رُوَاسی بعضی مانند مَکِّی بن ابی طَالِب القِیسِی (م ۴۳۷ق) تنها به شکل اعراب قرآن پرداختند و بعضی مانند ابْنُ الأَثیرِ صرفاً به جانب عَرِیب قرآن متمایل گشتند و برخی مانند ابوالقیاء المَکْرِی (م ۶۱۶ق) در کتابش به نام "إِملَاءُ مَا مَنَ بِهِ الرَّحْمَنُ"، اعراب کل قرآن را بررسی کردند. مگر مواردی که آشکار باشد، ابوالسحاق رَجَّاح (م ۳۱۱ق) در کتاب اعراب القرآن با تقسیمات خاص خود به اعراب قرآن روی آورده است و بعضی مانند فَرَّاء در کتاب "مَعَانِی الْقُرْآن" و ابْنُ جَنِّی (م ۳۹۲ق) در کتاب "الْمُنْتَبَه" و ابْنُ فَارَس (م ۳۹۵ق) در کتاب "حِجَّة" و خُثَّاس (م ۳۳۸ق) در کتاب "إِعراب القرآن" به گردآوری موارد دشوار اعراب و قرائت پرداخته‌اند و دیگر کسانی که از قدما در اعراب القرآن، صاحب تَأْلِیف می‌باشند، عبارتند از: قُطْرُب (م ۲۰۶ق)، أَبُو خَاتَم السَّجِسْتَانِی (م ۲۴۸ق)، و أَبُو الْعَبَّاس المُرَدِّی (م ۳۰۶ق)، و أَبُو الْعَبَّاس ثَعْلَب (م ۲۹۱ق)، و أَبُو عَبْدِ اللَّهِ بن خَالَوْنَه (م ۳۷۰ق)، و ابُو زُکْرِیَا بُرَیْرِی (م ۵۰۲ق).

و نیز به دانشمندان دیگری می‌توان اشاره کرد که اعراب قرآن را در ضمن کتاب تفسیر خود مطرح کرده‌اند، مانند مُحَمَّد زَحَّشَرِی (م ۵۳۸ق)، در کتاب "الکَشَاف"، و أَبُو خَتَّان الأَنْدَلِسی، در کتاب "بَحْرُ الْمُحِیط"، حسن طَبْرَسی در کتاب "مَجْمَعُ الْبَیَان". و در میان کتاب‌های تألیف شده در موضوع اعراب قرآن دو کتاب "إِعراب القرآن" رَجَّاح و "مَعْنِی اللَّیْس" ابن هشام، در شیوه نگارش با دیگر کتب متفاوت است؛ این دو کتاب مبتکر بحث موضوعی در زمینه اعراب قرآن می‌باشند. در حالی که کتاب‌های گذشته

در واقع به تحلیل اعراب کلمات و آیات مشکل قرآن به ترتیب سوره‌ها و آیات روی می‌آوردند و در میان مؤلفات معاصر، دو کتاب "إعراب القرآن و بیانه" از محی الدین درویش و "الجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه" از محمود صافی از شهرت بیشتری برخوردار است.

اولین بار در دهه شصت با تولید نرم افزار قرآنی کوثر، به اعراب قرآن روی آوردم و در دهه هفتاد تولید نرم افزار بزرگ اعراب القرآن را آغاز نمودم که در سال ۱۳۸۱ به نتیجه رسید و به همت شرکت سروش وابسته به صدا و سیمای مرکز اصفهان تکثیر و توزیع گردید. پس از اقبال عمومی به آن نرم‌افزار و دریافت نتایج و بازخوردها و آگاهی از نظرات کاربران محترم، به فکر اصلاح و به روز کردن آن برآمدم و از آنجا که بعضی خواهان ارائه اعراب قرآن به صورت کتاب بودند، کتاب: **المُستَعان في إعراب القرآن**، در پاسخ به این درخواست تهیه و به همت مشتاقان درک معانی بلند قرآن کرم تقدیم می‌گردد.

مشخصات این کتاب

در این اثر پژوهشی آموزشی آمده و پژوهشگران علوم قرآنی و طلاب علوم دینی به ویژه طلاب جامعه الزهراء (سلام الله علیها) و مطابق با سرفصل دانشجویان گروه‌های زبان عربی و الهیات و علوم قرآنی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تدوین شده، تلاش شده است که اعراب کلمات با توجه به معانی الفاظ و عبارات صورت گیرد و با تکیه بر وجوه شایع رایج در میان فصیحان عرب و قواعد دستوری از وجوه شاذ و نادر و اعراب‌های خلاف ظاهر و منافی با نظر کلا دوری گزیده شود و با پرهیز از کاربرد اصطلاحاتی که با شأن کتاب الهی ناسازگار است، در تبیین اعراب در چارچوب اصطلاحات و قواعد پذیرفته شده در صناعت صرف و نحو حرکت صورت پذیرد.

شایان ذکر است که در جای جای این تالیف، ضمن بیان اعراب، رجه شهر و اصلی و مختار در متن، بعضی وجوه مُحتمل و مُرتبط دیگر نیز، به زبان فارسی در پاورقی برای پژوهشگران ذکر شده است و شرح اصطلاحات صرفی و نحوی و تعریف انواع جمله در حاشیه کتاب به دو زبان عربی و فارسی به صورت مختصر آورده شده است.

در این کتاب که شامل سوره‌های جزء ۳ و ۴ می‌باشد، روش مؤلف اعراب کل کلمات قرآنی است. بدین صورت که همه واژه‌های نورانی قرآن، اگر چه تکراری باشد از نظر صرفی و نحوی و همچنین همه عبارات هدایتگر از نظر نوع جمله، مورد بررسی قرار گرفته است. بنابر این، تحلیل صرفی و نحوی هر کلمه و یا نقش هر جمله به راحتی و با اطلاعات مشترک و برابر، در هرآیه در دسترس خواننده قرار گرفته است و از ارجاع به نمونه‌های مشابه قبلی خودداری شده است و برای هر واژه: اسم، فعل یا حرف، اطلاعات برابر

در کل آیات و با ترتیب مشخص و با حرکت گذاری کامل، برابر نمونه‌های زیر ارائه شده است و از آنجا که اسم و فعل دارای معنای مستقل است، این دو قبل از مشخصات صرفی و نحوی به زبان فارسی ترجمه شده است:

برای هر حرف، شش ویژگی صرفی و اگر حرف جر باشد هفت ویژگی به ترتیب زیر ارائه گردیده است:

قَدْ: حرف، حرف تحقیق، غیر غامِل، مَبْنِيّ، بِنَاؤُهُ أَصْلِيّ، مَبْنِيّ عَلَى السُّكُونِ.

عَلَى: حرف، حرف جرّ، مُتَعَلِّقٌ بِفِعْلِ قَبْلِهِ، غَامِل، مَبْنِيّ، بِنَاؤُهُ أَصْلِيّ، مَبْنِيّ عَلَى السُّكُونِ.

برای اسم معرب ۱۰ نکته صرفی و ۳ نکته نحوی به ترتیب نمونه زیر ذکر شده است. اطلاعات صرفی و نحوی و نوع جمله با دو خط اریب: // از هم جدا گشته‌اند:

الْحَمْدُ: اسْمٌ جَامِدٌ مُصَدَّرٌ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، ثَلَاثِيّ يُجْرَدُ، مُنْصَرَفٌ، مُنْصَرَفٌ، ح م د، الْفِعْلُ، مُعْرَبٌ. // مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ بِالضَّمَّةِ.

برای اسم غیر ربی تند ۶ ویژگی صرفی و برای اسم عدد معرب ۵ ویژگی صرفی و اسم عدد مبنی ۷ ویژگی صرفی و برای ظرف ۱ اسم مبنی ۳ ویژگی صرفی نوشته می‌شود، مانند:

مُوسَى: اسْمٌ، اسْمٌ غَيْرُ غَرِيبٍ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، غَيْرُ مُنْصَرَفٍ مُعْرَبٌ. // مَفْعُولٌ بِهِ أَوَّلٌ، مُنْصَوِّبٌ بِالْفَتْحَةِ الْمُقَدَّرَةِ.

الْف: اسْمٌ، اسْمٌ عَدَدٌ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، معرب. // مَفْعُولٌ فِيهِ، مُنْصَوِّبٌ بِالْفَتْحَةِ.

تِسْعَةُ عَشْرَةَ: اسْمٌ، اسْمٌ عَدَدٌ، مُفْرَدٌ، مُؤَنَّثٌ، مَبْنِيّ، بِنَاؤُهُ غَارِضِيّ، مَبْنِيّ عَلَى الْفَتْحِ. // مُضَافٌ إِلَيْهِ، مُجْرُورٌ تَحَلًا.

يَبِيْن: اسْمٌ، ظَرْفٌ، مُعْرَبٌ. // مَفْعُولٌ فِيهِ، مُنْصَوِّبٌ بِالْفَتْحَةِ.

مَنْ: اسْمٌ، اسْمٌ شَرْطٌ خَازِمٌ، مَبْنِيّ عَلَى السُّكُونِ. // مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ خَلَا.

برای هر فعل مبنی: ماضی و امر حاضر، ۱۲ ویژگی صرفی و برای فعل معرب: مضارع و امر غائب، ۱۰ ویژگی صرفی به ترتیب زیر و مانند نمونه تقدیم شده است و نوع اعراب فعل مضارع نیز پس از بخش صرف مشخص شده است.

عَلِمَ: فِعْلٌ، فِعْلٌ مَاضِيٌّ، لِلْغَائِبِ ۱، ثَلَاثِيّ يُجْرَدُ، مُنْصَرَفٌ، مُتَعَدٌّ، مَعْلُومٌ، ع ل م، فِعْلٌ، مَبْنِيّ، بِنَاؤُهُ أَصْلِيّ، مَبْنِيّ عَلَى الْفَتْحِ. // فَاعِلُهُ الْإِسْمُ الظَّاهِرُ.

كُلُّوْا: فِعْلٌ، فِعْلٌ أَمْرٌ، لِلْمُخَاطَبِيْنَ ۹، ثَلَاثِيّ يُجْرَدُ، مُنْصَرَفٌ، مُتَعَدٌّ، مَعْلُومٌ، أَك ل، عَلُوْا، مَبْنِيّ، بِنَاؤُهُ أَصْلِيّ، مَبْنِيّ عَلَى حَذْفِ التَّوْنِ. // فَاعِلُهُ الضَّمِيرُ الْبَارِزُ "و". // الْجُمْلَةُ: اسْتِثْنَائِيَّةٌ، لَا تَحُلُّ لَهَا مِنْ الْإِعْرَابِ.